

یاران روحانی

با تقدیم تحیات امنع ابھی و تبریک به مناسبت این لیلۂ فرخنده  
بدینوسیله برنامه پیشنهادی گرامیداشت بعثت حضرت رب اعلی تقدیم میگردد. مطمئنا برنامه  
ریزی شما عزیزان برای استفاده از امکانات محلی و نیز بهره مندی از فیلمها و کلیپهای موجود در  
شبکه های اجتماعی به غنای هر چه بیشتر برنامه کمک خواهد نمود  
امیدواریم فضایی مملو از سرور و روحانیت را تجربه نمائید

جانتان خوش باد

## پروگرام جلسه بزرگداشت اظهار امر حضرت اعلی

### فهرست برنامه

۱. مناجات شروع
۲. بیانات مبارکه حضرت اعلی
۳. لوح مبارک عید مبعث
۴. خطابه مبارکه حضرت عبدالبهاء
۵. -نطق مبارک حضرت عبدالبهاء پنجم جمادی الاولی سنه

### تنفس

۶. بیان مبارک حضرت ولی محبوب امرالله
۷. شرحی بر واقعه بعثت حضرت اعلی (قسمت اول)
۸. شرحی بر واقعه بعثت حضرت اعلی (قسمت دوم)
۹. شروع دیانت بابی، شروع تقویم بهائی
۱۰. رسالت حضرت باب
۱۱. برنامه محلی
۱۲. مناجات خاتمه (به انتخاب جمع)

هو الله

پاک یزدانا، بینائی و شنوا، مقتدری و توانا، صیت نبأ عظیم در جمیع اقالیم منتشر و پرتو شمس حقیقت، در کل آفاق ساطع و باهر. یاران در نهایت روح و ریحان و دوستان مُنجدب روی آن مه تابان. زبانها به ذکرت همدم و قلوب به نفحات قدست، مُستبشر. دمبدم رویها همه سوی تو و دلها اسیر کوی تو و جگرها تشنه جوی تو. ندای اسم اعظمت زلزله در آفاق انداخته و قوت کلمه اتمت علم بر شرق و غرب افراخته. مُقبلان، کل در نهایت تبُّل و ابتهال و مؤمنان در کمال تضرع به ملکوت جمال. پروردگارا، کل را تأیید فرما و توفیق عطا کن تا سبب آسایش جهان آفرینش گردند و شرق و غرب را آرایش بخشند. سبب الفت و اتحاد عالم گردند و خادم نوع بشر شوند. جمیع امم را به جان و دل دوست حقیقی گردند و کافه ادیان را در نهایت روح و ریحان، یار روحانی شوند. ظلمات بیگانگی محو کنند و انوار یگانگی در جهان منتشر فرمایند. خداوندا، کل را در پناه خویش پناه ده و به الطاف بی پایان، شادمان و کامران فرما توئی مقتدر و توانا و توئی بیننده و شنوا

۲-بیانات مبارکه حضرت اعلی

هیكل مبارک در کتاب بیان فارسی در باب سابع از واحد ثانی میفرماید قوله تعالی:

و از حین ظهور شجره بیان، الی ما یغرب، قیامت رسول الله است که در قرآن خداوند وعده فرموده که اول آن بعد از دو ساعت و یازده دقیقه از شب پنجم جمادی الأولى سنه ۱۲۶۰ که سنه ۱۲۷۰ از بعثت میشود

ایام تسعه ص ۱۲۱

و در بیان دیگر میفرماید:

مُحتجب مشوا از مبدأ و به وجود امثال و اقربان، عامل مباش؛ بلکه بنفسه عمل کن از برای خدا اگر چه شریک از برای تو نباشد، واقعاً خالصاً. همیشه نظر کن به جوهر امر که دین به آن دین میگردد.

بیان فارسی، واحد ششم، باب ۱۳

(الاقدم الاكبر الاعلى)

قَدْ نَطَقَ اللِّسَانُ بِأَعْلَى الْبَيَانِ وَنَادَتِ الْكَلِمَةُ بِأَعْلَى النِّدَاءِ الْمَلِكُ لِلَّهِ خَالِقِ السَّمَاءِ وَمَالِكِ الْأَسْمَاءِ  
 وَلَكِنَّ الْعِبَادَ أَكْثَرَهُمْ مِنَ الْغَافِلِينَ قَدْ أَخَذَتْ تَرْنُمَاتُ الرَّحْمَنِ مِنْ فِي الْإِمْكَانِ وَأَحَاطَ عَرَفُ  
 الْقَمِيصِ مَمَالِكِ التَّقْدِيسِ وَتَجَلَّى اسْمُ الْأَعْظَمِ عَلَى مَنْ فِي الْعَالَمِ وَلَكِنَّ النَّاسَ فِي حِجَابٍ  
 مُبِينٍ. أَنْ يَا قَلَمَ الْأَعْلَى غَنَّ عَلَى لَحْنِ الْكِبْرِيَاءِ لِأَنَّ نَجْدُ عَرَفِ الْوِصَالِ بِمَا تَقَرَّبَ يَوْمُ الَّذِي فِيهِ  
 زَيْنٌ مَلَكُوتِ الْأَسْمَاءِ بِطَرَازِ اسْمِنَا الْعَلِيِّ الْأَعْلَى الَّذِي إِذَا ذُكِرَ لَدَى الْعَرْشِ غَنَّتِ الْحُورِيَّاتُ  
 بِيَدَائِعِ النَّعْمَاتِ وَهَدَرَتِ الْوَرَقَاءُ بِيَدَائِعِ الْأَلْحَانِ وَنَطَقَ لِسَانُ الرَّحْمَنِ بِمَا أَنْجَذَبَ مِنْهُ أَرْوَاحُ  
 الْمُرْسَلِينَ ثُمَّ أَرْوَاحُ الْمُخْلِصِينَ ثُمَّ أَرْوَاحُ الْمُقَرَّبِينَ. هَذِهِ لَيْلَةُ طَلَعِ صَبْحِ الْقَدَمِ مِنْ أَفْقِ يَوْمِهَا  
 وَاسْتَضَاءَ الْعَالَمُ مِنْ أَنْوَارِهِ الَّتِي أَشْرَقَتْ مِنْ ذَاكَ الْأَفْقِ الْمُنِيرِ. قُلْ إِنَّهُ لَيَوْمٌ فِيهِ أَخَذَ اللَّهُ عَهْدَ مَنْ  
 يَنْطِقُ بِالْحَقِّ إِذْ بَعَثَ مِنْ بَشَرِ الْعِبَادِ بِهَذَا النَّبِيِّ الْعَظِيمِ وَفِيهِ ظَهَرَتْ آيَةُ الْأَعْظَمِ نَاطِقًا بِهَذَا الْاسْمِ  
 الْعَظِيمِ وَأَنْجَذَبَ فِيهِ الْمُمَكِّنَاتُ مِنْ نَفَحَاتِ الْآيَاتِ طُوبَى لِمَنْ عَرَفَ مَوْلَاهُ وَكَانَ مِنَ الْفَائِزِينَ.  
 ... يَا مَلَأَ الْأَرْضِ اذْكُرُوا اللَّهَ فِي هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي فِيهِ نَطَقَ الرُّوحُ وَاسْتَعْرَجَتْ حَقَائِقُ الَّذِينَ خُلِقُوا  
 مِنْ كَلِمَةِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْمَنِيعِ. قَدْ قُدِّرَ لِكُلِّ نَفْسٍ أَنْ يَسْتَبْشِرَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَيَلْبَسَ أَحْسَنَ ثِيَابِهِ  
 وَيَهْلُلَ رَبَّهُ وَيَشْكُرَهُ بِهَذَا الْفَضْلِ الْعَظِيمِ. طُوبَى لِمَنْ فَازَ بِمِرَادِ اللَّهِ وَوَيْلٌ لِلْغَافِلِينَ. لَمَّا نُزِّلَ هَذَا  
 اللَّوْحُ فِي هَذَا اللَّيْلِ أَحْبَبْنَا أَنْ نُرْسِلَهُ إِلَيْكَ فَضْلًا مِنْ لَدُنَّا عَلَيْكَ لِتَكُونَ مِنَ الشَّاكِرِينَ. إِذَا فُزْتَ  
 بِهِ أَنْ أَقْرَأَهُ بَيْنَ الْأَحْبَابِ لِيَسْمَعَنَّ الْكُلُّ مَا تَكَلَّمَ بِهِ لِسَانُ الْعَظْمَةِ وَيَكُونَنَّ مِنَ الْعَامِلِينَ. كَذَلِكَ  
 اخْتَصَصْنَاكَ وَزَيْنَاكَ بِمَا زَيْنَتْ بِهِ هِيَ كُلُّ الْمُخْلِصِينَ. الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

#### ۴-خطابه مبارکه حضرت عبدالبهاء

در کمبریج امریکا در ضمن خطابه‌ای فرمودند

امروز بعثت حضرت اعلی است. روز مبارکی است. مبدأ اشراق است، زیرا ظهور حضرت اعلی مانند طلوع صبح صادق بود و ظهور جمالقدم ظهور آفتاب. هر صبح نورانی بشارت از شمس حقیقت دارد لهذا این یوم مبارکی است... حضرت اعلی در چنین روزی مبعوث شد و ندا به ملکوت ابھی نمود و بشارت به ظهور جمال مبارک نمود... حضرت اعلی مقاومت جمیع ایران نمودند اذیتها دیدند و هرچه خواستند آن سراج الهی را خاموش کنند، روشتر گردید و روز بروز امرش واضح تر شد. در ایامی که در میان خلق بودند در جمیع اوقات بشارت به بهاءالله میفرمودند و در جمیع الواح و کتب ذکر بهاءالله نمودند و بشارت به ظهور بهاءالله دادند که در سنه نه هر خیری می یابید در سنه نه سعادت کلی حاصل میکنید، در سنه نه به لقاء الله فائز میشوید و از این قبیل بیانات بسیار و جمال مبارک را به اسم من یظهره الله ذکر فرموده‌اند... آن وجود مبارک وصیت کرده که در ظهور جمال مبارک در نهایت انقطاع باشیم و در نهایت انجذاب باشیم. جمیع بشر را از برای او دوست داریم و خدمت به عالم انسانی کنیم.. بِنَاء عَلٰی ذَلِكْ مبارکباد امروز، چه که امروز روز مبارکی است. امشب من از ملاقات شما بسیار مسرورم و از خدا خواهم که فیوضات ملکوت الهی بر شما احاطه نماید و جوه شما نورانی گردد و قلوبتان روحانی باشد و جمیع، ابناء و بنات ملکوت گردید و منسوب بخداوند جلیل شوید و به موجب تعالیم حضرت بهاءالله عمل کنید.

ایام تسعه ص ۱۱۷ تا ۱۲۰

## ۵-نطق مبارک حضرت عبدالبهاء پنجم جمادی الاولى سنه

۱۳۳۴ بدایت این یوم مبارک، بدایت قیامت است. نفوسی که حیات ابدیه داشتند ادارک و احساس کرده اند که امروز حکم خمسین الف سنه دارد. امروز روزیست که آسمان منطوی شد؛ امروز روزیست که آفتاب بر هم پیچیده گشت؛ امروز روزیست که قمر منشق شد؛ امروز روزیست که ستاره ها منتشر شد؛ امروز روزیست که جبال سیر و حرکت کرد؛ امروز روزیست که اموات از قبور بیرون آمد؛ حشر شد؛ نشر گردید؛ میزان منصوب شد؛ صراط ممدود گشت... اینها جمیع علائم یوم قیامت است. حضرت اعلی میفرمایند که در یک دقیقه این وقایع واقع گشت. در طرفه العین، خمسین الف سنه منقضی شد و جمیع این وقایع ظاهر گشت؛ زیرا اینها وقایع معنویه است نه جسمانیه

ایام تسعه ص ۹۶

## ۶- بیان مبارک حضرت ولی محبوب امرالله

فهم و درک کامل احکام و حدود شاقه نازل از قلم حضرت اعلی، فقط از این طریق میسر است که ماهیت و مقصد و خواص ممتازه شریعت مبارکش به نحوی که نفس آن حضرت در آثار خویش بیان فرموده‌اند، منظور گردد. طبق این بیانات واضح، دور بیان اصولاً یک نهضت دینی و انقلاب اجتماعی بود که مدتش بالضروره کوتاه، ولی مملو از وقایعی مصیبت‌آمیز و مشحون از اصلاحاتی وسیع النطاق و بنیان‌کن بود. موازین شدید و اعمال قاطعه‌ای را که حضرت نقطه اولی و اصحاب، مجری می‌داشتند، کل برای این بود که بنیاد تقالید حزب شیعه را برانداخته راه را برای ظهور حضرت بهاءالله هموار سازد. حضرت اعلی به منظور اثبات استقلال دور جدید و نیز برای آماده ساختن زمینه جهت ظهور قریب الوقوع جمال قدم، احکامی بسیار دشوار و شدید نازل فرمودند. اگرچه اغلب این احکام هرگز به مرحله اجرا در نیامد ولی نفس نزول این احکام دلالت بر استقلال آئین حضرت اعلی داشت و همین کافی بود تا هیجانی عظیم ایجاد نماید و علمای دین را به چنان مخالفتی برانگیزد که بالمآل شهادت حضرتش را سبب گردد. (ترجمه)

توضیحات کتاب مستطاب اقدس شماره ۱۰۹



## ۷- شرحی بر واقعه بعثت حضرت اعلی (قسمت اول)

قبل از اینکه حضرت باب رسالت خویش را اعلان نمایند ، برخی از نفوس در آکناف عالم در اعماق قلب خویش می دانستند که موعود بزودی ظاهر خواهد شد. یکی از این نفوس مقدسه جناب سید کاظم رشتی بودند که در شهر کربلا در عراق زندگی می کردند. ایشان شاگردان زیادی داشتند و حیات خویش را وقف آماده ساختن آنان برای ظهور قائم موعود پس از انتظاری طولانی نمودند و مرتباً به آنان گوشزد می نمود که بعد از وفات او ترک خانه و خانمان نموده و با قلبی فارغ از امیال دنیوی در دیار پخش شده و به دنبال موعود محبوب به جستجو پردازند. بعد از وفات سید کاظم ، یکی از برجسته ترین شاگردانش به نام ملاحسین به مسجدی رفته و مدت ۴۰ روز به دعا و توجه مشغول گردید و در این مدت قلبش کاملاً جهت دریافت الهامات الهی آماده شد. بعد از ۴۰ روز به همراهی دو نفر از یارانش عراق را ترک و به جستجوی موعود پرداخت . اول به شهر بوشهر رفت اما مدت توقف ایشان در بوشهر آنقدر طول نکشید. باطناً حس می کرد که قوه ای پنهانی او را به جانب شمال می کشاند لذا بزودی به جانب شیراز روان گشت. پس از اینکه به دروازه شهر رسیدند به همراهان خود گفت که مستقیماً به مسجد رفته و در آنجا منتظر باشند تا ایشان به نزد آنان مراجعت نمایند. جناب ملاحسین در همان روز تاریخی چند ساعت قبل از غروب آفتاب در حالیکه در خارج دروازه شهر قدم می زد در آن بین جوان باوقاری را مشاهده نمود که به طرف او آمده و ضمن خوشامدگویی او را به منزلش دعوت کرد تا بعد از این سفر طولانی ، گرد سفر را شسته و استراحت نماید. جناب ملاحسین به قدری از حسن رفتار و شیرینی گفتار آن جوان متأثر شده بود که به دنبال ایشان روان و بزودی به درب خانه ای ساده رسیدند و سپس به داخل منزل وارد و در اتاقی در طبقه بالا نشستند. میزبان بزرگوار فرمود تا ظرف آبی آوردند تا مهمان دست و روی خود را از گرد سفر بشوید و سپس به دست خویش چای به او مرحمت فرمودند و بعد از مراسم مهمان نوازی با مهمان خویش شروع به صحبت فرمودند. جناب ملاحسین شرح این مکالمه تاریخی را بعداً چنین بیان نمودند:

## ۸- شرحی بر واقعه بعثت حضرت اعلی (قسمت دوم)

«حدود یک ساعت از شب گذشته بود که آن جوان بزرگوار با من به مکالمه پرداخت و از من سؤال فرمود بعد از جناب سید کاظم رشتی مرجع شما کیست؟ عرض کردم مرحوم سید در اواخر حال سفارش می فرمودند که بعد از وفاتشان هریک از شاگردان باید ترک وطن گوید و در اطراف به جستجوی موعود محبوب پردازد. این است که من برای انجام امر استاد بزرگوارم به ایران مسافرت کردم و هنوز هم که هست به جستجوی موعود مشغولم. سؤال فرمودند آیا استاد بزرگوار شما برای حضرت موعود اوصافی مخصوص و امتیازاتی بخصوص معین فرموده اند یا نه؟ عرض کردم آری می فرمود حضرت موعود از خاندان نبوت و رسالت است. از اولاد حضرت فاطمه زهرا علیها سلام الله است. سن مبارکش وقتی که ظاهر می شود کمتر از ۲۰ و متجاوز از ۳۰ سال نیست. دارای علم الهی است. قامتش متوسط است. از شرب دخان برکنار و از عیوب و نواقص جسمانی منزّه و مبرّا است. میزبان محترم لمحّه ای سکوت فرمود سپس با لحن بسیار متینی فرمودند: نگاه کن این علامات را که گفתי در من می بینی؟ بعد یکایک علامات را ذکر فرمودند و با شخص خود تطبیق نمودند. در خلال آن شب حضرت باب با ادله و براهین واضح و قاطع به ملاحسین اثبات فرمودند که قائم موعود می باشند و با سرعتی خارق العاده به تفسیر اولین قسمت از سوره یوسف که از سوره های مهم قرآن است پرداختند و سپس خطاب به ملاحسین فرمودند: «شما اول کسی هستید که به من مؤمن شده اید. من باب الله هستم و شما باب الباب. باید ۱۸ نفر به من مؤمن بشوند به این معنی که ایمان آنها نتیجه تفحص و جستجوی خود آنها باشد بدون اینکه کسی آنها را از اسم و رسم من آگاه کند، باید مرابشناسند و به من مؤمن شوند. آن وقت یکی از آنها را انتخاب می کنم که با من در سفر مکه همراهی کند. در مکه امر الهی را به شریف مکه ابلاغ خواهم کرد. از آنجا به کوفه خواهم رفت. در مسجد کوفه، امر الهی را آشکار خواهم ساخت. شما باید آنچه امشب جریان یافت از همراهان خود و سایر نفوس مکتوم دارید. عظمت ظهور، روح و روان ملاحسین را با هیجان و سرور، خوف و حیرت مَسخر نمود. او چنین اظهار داشت: «قبل از عرفان امر الهی چقدر ضعیف و ناتوان بودم و چه مقدار خوف و جبن در وجودم سرشته بود... نمی توانستم چیزی بنویسم و نمی توانستم راه بروم. دست و پایم همیشه ارتعاش

داشت و می لرزید. اما بعد از وصول به عرفان مظهر الهی به جای جهل، علم و دانش ربّانی و در عوض ضعف، قوّت و قدرت عجیبی در وجود من پیدا شد. به طوری که خود را دارای توانایی و تهوّر فوق العاده می دیدم و یقین داشتم که اگر تمام عالم و خلق جهان به مخالفت من قیام نمایند یک تنه بر همه غالب خواهم شد. جهان و آنچه در آن هست مانند مستی خاک در چشمم جلوه می نمود و صدای جبرئیل را پنداشتم در من تجسّم یافته می شنیدم که به خلق عالم می گفت: ای اهل عالم بیدار شوید زیرا صبح روشن دمید. برخیزید و از فیض ظهور و برکت امر الهی برخوردار شوید، باب رحمت الهی باز است. ای اهل عالم همه داخل شوید زیرا آن کسی را که منتظر بودید ظاهر شد. اینک پیدا و آشکار و شما را به خوان وصال دعوت می نماید. ”اظهار امر حضرت باب در شب ۲۳ می ۱۸۴۴ (۵ جمادی الاولی ۱۲۶۰) به وقوع پیوست. هیکل اطهر در آن وقت ۲۵ سال از عمر مبارکشان می گذشت.

## ۹- شروع دیانت بابی، شروع تقویم بهائی

شروع کور بهائی از پنجم جمادی الاول ۱۲۶۰ شروع می شود. دو ساعت و یازده دقیقه بعد از غروب از نظر حضرت اعلی آن آغاز قیامت است. آغاز رستاخیز همان دو ساعت و یازده دقیقه از غروب گذشته پنجم جمادی الاول ۱۲۶۰ است. ولی جالب این است که به خلاف آنچه در ادیان گذشته تصور می شد آغاز دیانت بابی، آغاز این رستاخیز در لحظه ای نیست که حضرت باب متوجه می شوند و می فهمند و استشعار پیدا می کنند که پیامبر هستند که به ایشان وحی می شود که می توانند آیات را از قبل خدا نازل کنند.

در تصور گذشته از دیانت، تصور این بود که دیانت از زمانی شروع می شود که پیامبر آگاه می شود از اینکه رسالتی از جانب خدا دارد مثلاً جبرئیل می آید و می گوید بخوان آیات الهی را و پیامبر متوجه می شود که رسالتی دارد. این می شود لحظه ای که اسلام آغاز می شود لحظه ای که این دیانت متولد می شود. برای همین بعثت می گویند. اظهار امر نمی گویند در این لحظه مبعوث می شود برانگیخته می شود به عنوان پیامبر.

در دیانت حضرت باب اصلاً اینطور نیست. حضرت باب به صراحت در چند اثر خودشان تأکید فرموده اند که مدتها قبل از پنجم جمادی الاول ۱۲۶۰ آگاه شده بودند که ایشان مظهر امر الهی هستند و وحی الهی به ایشان متحقق شده بود. چندین بار در چندین اثر مختلف گفته شده در بعضی از آثار حتی تاریخ آن را هم می گویند که می شود حدود پنجاه روز قبل از اظهار امر.

منتهی جالب این است که آن اتفاق از نظر دیانت بهائی و از نظر آثار خود حضرت اعلی اهمیت ویژه ای ندارد. نه آغاز دیانت بابی است و نه آغاز تقویم باب و بهائی است و نه آغاز روز قیامت است. بالعکس پنجم جمادی یکدفعه یک اتفاق کوچکی می افتد که یک شخصی به نام ملا حسین و حضرت باب یک مکالمه ای با هم دارند. که این مکالمه می شود نقطه عطف تاریخ. می شود آغاز قیامت، آغاز کور بهائی و ...

برگرفته از سخنرانی دکتر نادر سعیدی

## ۱۰- رسالت حضرت باب

مروری بر دوره ۱۹۹۴-۱۸۴۴

### داگلاس مارتین

نیمه نخست قرن نوزدهم دوران انتظار موعود در جهان اسلام و همچنین در بسیاری از بخش‌های قلمروی مسیحیت بود. در ایران موجی از شور و شوق هزاره گرایانه بسیاری از تحصیلکردگان مذهبی اجتماع شیعه را تحت تأثیر قرار داده بود که باور داشتند تحقق نبوات قرآن و احادیث نزدیک است. حضرت باب (لقب‌ی به معنای دروازه)، خطاب به یکی از چنین جستجوگران پر شور و اشتیاقی<sup>۱</sup>، در شب ۲۳-۲۲ مه ۱۸۴۴، اعلام نمودند که حامل ظهوری الهی هستند؛ ظهوری که مقدر است نه تنها اسلام را متحول سازد، بلکه حیات معنوی نوع بشر را جهت‌ی جدید بخشد....

حضرت باب، تلویحاً، و حضرت بهاءالله، به صراحت، نوع بشر را در آستانه بلوغ جمعی اش توصیف می‌کنند. جدا از نقش حضرت باب به عنوان یک پیام‌آور الهی، ظهور ایشان به ثمر نشستن فرآیند اصلاح ماهیت بشر را رقم می‌زند که ظهورات الهی آن را در طی هزاران سال پرورش داده‌اند. از آن لحاظ، می‌توان ظهور حضرت باب را به عنوان دروازه‌ای مشاهده کرد که نوع بشر، برای به عهده گرفتن مسئولیت‌های بلوغ، باید از آن عبور کند. کوتاهی مدت دوران این ظهور، خود نمادی از ناگهانی بودن نسبی این مرحله گذار است.

...تعجب‌آور نیست که هنگامی که غربیان با داستان حضرت باب در سال‌های آخر قرن آشنا شدند، شخصیت حضرت باب، آذهانی را که در این چنین محیط فرهنگی پرورش یافته بودند بدین حد جذب خود کرد. آنچه که به طور خاص تأثیری مجذوب‌کننده داشت، خلوص و پاکی زندگی ایشان و شرافت مسلم شخصیتشان بود که قلوب بسیاری از هم‌وطنانشان را که ابتدا با شک و تردید و حتی خصومت ایشان را در نظر می‌آوردند چنان تحت تأثیر قرار داده بود که در نهایت زندگی خود را فدای آئین ایشان کردند. کلماتی که حضرت باب خطاب به اولین گروه

مؤمنین خود بیان نمودند ماهیت آن دسته معیارهای اخلاقی را مشخص می‌سازد که ایشان برای کسانی که ندایشان را می‌پذیرفتند به عنوان هدف تعیین نموده بودند:

قلوب خود را از آمال و آرزوهای دنیوی پاک کنید و به اخلاق الهی خود را مزین و آراسته نمایید... دوران کفایت عبادات کسالت‌آور فتورآمیز منقضی شده. امروز روزی است که به واسطه قلب طاهر و اعمال حسنه و تقوای خالص هر نفسی می‌تواند به ساحت عرش الهی صعود نماید و در درگاه خداوند مقرب شود و مقبول افتد... از خداوند بخواهید که شما را حفظ نماید تا آمال دنیوی و شئون جهان، طهارت و انقطاع شما را تیره و آلوده نکند و حلاوت شما را به مرارت تبدیل ننماید.

برای ناظران غربی، پاکی قلب همراه با شهامت و آمادگی برای فداکاری، عمیقاً الهام‌بخش بود. تفسیرهای ارنست رنان ((Ernest Renan) و دیگران، مشابهتی گریزناپذیر میان زندگی حضرت باب و زندگی حضرت عیسی مسیح ترسیم نمود. همان طور که داستان خارق‌العاده لحظات پایانی زندگی ایشان با قاطعیت نشان داد، حضرت باب هر لحظه می‌توانستند زندگی خویش را نجات دهند و با استفاده از نابخردی دشمنان و خرافاتی که گریبان عامه مردم را گرفته بود، بر آنانی که قصد سرکوب ایشان را داشتند، غلبه کنند. اما ایشان مبادرت به چنین کاری را حقیر شمرده و تیرباران به دست دشمنان خود را تنها زمانی پذیرا شدند که اطمینان یافتند که رسالتشان به طور کامل و منطبق با اراده الهی انجام گرفته است.....